

انتظار بدون ابتکار

آیا تهران طرح و برنامه‌ای برای حل و فصل دیپلماتیک اختلاف‌ها با غرب دارد؟



عکس: ایران

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



بعد از شکست کامل مذاکرات ایران و غرب در طول ماه‌های گذشته، از جمله منتهی شدن پنج دور مذاکره غیرمستقیم تهران و واشنگتن به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اسرائیل و آمریکا علیه ایران و منتهی شدن مذاکرات با طرف‌های اروپایی به اجرایی شدن اسنپیک، به نظر می‌رسد که تهران و واشنگتن به راهبرد صبر و انتظار روی آورده‌اند و فعلاً قصد ندارند هیچ گام عملی در راستای حل و فصل اختلاف‌ها بردارند. تهران با تاکید بر اینکه «تجربه چراغ راه آینده است»، تاکید می‌کند که تجربه شکست‌خورده مذاکرات پیشین باعث شده است تا ایران وارد مذاکرات جدید با قدرت‌های غربی نشود و به گفته وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تنها در شرایطی تن به مذاکره بدهد که طرف مقابل «پیشنهادی معقول، متوازن و بر اساس منافع متقابل و احترام متقابل» ارائه دهد. در عین حال به نظر می‌رسد قدرت‌های غربی هم با اطمینان از اثرگذاری تحریم‌هایشان در شرایط صبر و انتظار به سر می‌برند تا اثر تحریم‌ها در اقتصاد ایران نمایان شود و ایران مجبور به مصالحه و کوتاه آمدن در برابر شروط آنها شود.

▼ ایران: توقع پیشنهاد معقول و متوازن از سوی غرب

حلودو دو هفته پیش بود که سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگویی تلویزیونی تصریح کرد که «مذاکره با آمریکا... تنها به بن‌بست می‌رسد» و «دلیل منطقی برای مذاکره با... [روپا] وجود ندارد.» از روز ۶ مهرماه امسال با فعال‌سازی مکانیسم اسنپیک توسط سه قدرت اروپایی (آلمان، بریتانیا و فرانسه)، قدرت‌های غربی که مدعی شدند قطعنامه‌های تحریمی پیشین شورای امنیت علیه ایران مجدداً اعمال شده است، عملاً کلیه مذاکرات هسته‌ای میان ایران و دولت‌های غربی متوقف شده است. طرف ایرانی تا پیش از پایان مهلت اروپا برای فعال‌سازی مکانیسم اسنپیک، چند دور مذاکره برای جلوگیری از این رخداد یا به تعویق انداختن آن انجام داد، اما نهایتاً توافقی برای توقف اجرای اسنپیک به دست نیامد تا ایران نه‌تنها تمامی گفت‌وگوها را با طرف غربی متوقف کند، بلکه اعلام کند توافق پیشین با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ایجاد سازوکار جدید بازرسی‌ها نیز ملغی شده است. به این ترتیب پرونده هسته‌ای ایران در یکی از پیچیده‌ترین شرایط خود در دهه گذشته قرار گرفته است. روسیه و چین معتقدند که به دلیل نامشروع بودن اقدام سه کشور اروپایی برای درخواست بازگشت قطعنامه‌های تحریمی، هیچ تصمیمی در شورای امنیت در خصوص این قطعنامه‌ها اتخاذ نشده است و از روز ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ با فارارسیدن موعد انقضای قطعنامه ۲۲۳۱، تمام قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران و همچنین قطعنامه ۲۲۳۱ کاملاً منتهی و منقضی شده‌اند. از سوی دیگر دولت‌های غربی و کشورهای همسو با آنها معتقدند که تمامی ۶ قطعنامه تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد که پس از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) تعلیق شده‌بود، اجرایی شده‌اند.

ایران تلاش می‌کند تا از شکاف میان اعضای دائم شورای امنیت در مورد تحریم‌ها استفاده کند و تحریم‌های ذکرشده در قطعنامه‌های شورای امنیت را که به اعتقاد اروپایی‌ها مجدداً اعمال شده است، بی‌اثر و خنثی کند. سیدعباس عراقچی، به

نیست و پیشنهادی هم که آمریکا مطرح می‌کند، برای ایران قابل پذیرش نیست.

در نتیجه امتیازهایی که دو طرف به یکدیگر پیشنهاد داده‌اند، مورد قبول طرف مقابل نیست. در نتیجه دو طرف نمی‌توانند به توافق برسند. ایران خواهان این است که آمریکا از مواضع اخیر خودش کوتاه بیاید و به عنوان مثال بحث پرونده موشکی و منطقه‌ای را مطرح نکند و صرفاً در پرونده هسته‌ای وارد مذاکره شود. در پرونده هسته‌ای هم مطالبه ایران این است که به ازای امتیازهایی در پرونده هسته‌ای، تحریم‌های ایران ملغی شوند. آمریکا با این خواسته‌های ایران موافقت نکرده است. الان روابط تهران و واشنگتن در شرایطی قرار گرفته است که از نقطه تعادل و نقطه بهینه‌ای که می‌تواند منجر به حل مسئله شود، دور شده ایم.

نکته دیگر این است که میانجی‌گری‌هایی که تاکنون میان تهران و واشنگتن صورت گرفته است، توفیق نداشت که دو طرف را به یکدیگر نزدیک‌تر کند. معمولاً در نظام بین‌الملل در شرایطی که مواضع طرف‌ها از یکدیگر بسیار دور است، میانجی‌ها تلاش می‌کنند که آنها را به هم نزدیک کنند. میانجی‌گری عمان و قطر تاکنون باعث نشده است که مواضع ایران و آمریکا به یکدیگر نزدیک شود و از سوی دیگر میانجی قوی‌تری هم وارد صحنه نشده است. به همین دلیل می‌توان گفت که دو طرف اکنون در وضعیت فقدان توافق و یا حتی بن‌بست قرار گرفته‌اند. در چارچوب دیپلماسی اجبار قاعداً سهم آمریکا از آنجا که قدرت بیشتری دارد در شکستن این بن‌بست بیشتر است. معمولاً دیپلماسی اجبار زمانی موفق می‌شود که کشور را اجبار کنند، در اینجا آمریکا، امتیازهای بیشتری نسبت به امتیازهایی که دریافت می‌کند، ارائه داده است. اما آمریکا در پی جنگ ۱۲ روزه و به این دلیل که فکر می‌کند ایران در موضع ضعف قرار گرفته است، امتیاز بیشتری به ایران نمی‌دهد.



مذاکرات ایران و آمریکا از ۲۳ خرداد امسال که اسرائیل حملات خود را به ایران آغاز کرد متوقف شده‌اند و هیچ دورنمایی برای مذاکرات جدید وجود ندارد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفته است که در شرایط فعلی مذاکره با آمریکا نتیجه‌ای جز بن‌بست ندارد، اما ایران همچنان آماده مذاکره است و آمادگی دارد که در صورت ارائه پیشنهاد معقول و متوازن از سوی آمریکا، وارد دور جدیدی از مذاکرات شود. رحمن قهرمان پور، تحلیل‌گر مسائل بین‌المللی می‌گوید که دو طرف هیچ نشانه‌ای مبنی بر آمادگی بر عقب‌نشینی از مواضع فعلی خود نشان نداده‌اند و تنها در صورتی امکان توافق میان تهران و واشنگتن وجود دارد که اتفاق خارق‌العاده یا چرخش اساسی در مواضع یکی از طرف‌ها ایجاد شود. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با رحمن قهرمان پور، تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل مطالعه می‌کنید.

«گفت‌وگوهای ایران و غرب بیش از یک ماه است که متوقف شده است و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است که منتظر پیشنهادی معقول و متوازن از سوی آمریکا است. با توجه به تجربه ۴۷ ساله جمهوری اسلامی ایران در تعامل با ایالات متحده آمریکا، با چه محاسبه‌ای تهران در شرایطی قرار گرفته است که انتظار پیشنهاد معقول و منصفانه از سوی واشنگتن دارد؟

به نظر می‌آید اظهارات سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران اینگونه قابل تحلیل است که آمریکا حاضر به پذیرش پیشنهاد ایران برای توافق

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The
Economist

تشدید عدم قطعیت در سیاست اسرائیل

تازه یک هفته از آتش‌بس شکننده در غزه گذشته‌بود که کنست، پارلمان اسرائیل، جلسه زمستانی خود را در ۲۰ اکتبر بازگشایی کرد و بلافاصله به بحران‌های پیش از جنگ خود بازگشت. یاریو لوین، وزیر دادگستری حزب حاکم لیکود، از برنامه‌هایی برای از سرگیری قوانین محدودکننده اختیارات دیوان عالی و دادستان کل خبر داد. همکارش، رئیس کنست، از به کار بردن عنوان رئیس برای رئیس دیوان عالی امتناع کرد. در پاسخ، یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون، او را «رئیس نیمی از کنست» خواند. اسحاق هرئزوغ، رئیس جمهور، سخنرانی برنامه‌ریزی شده خود را لغو کرد و سیاستمداران را «به خاطر بی‌ادبی محض، بی‌احترامی به کرامت انسانی و بی‌احترامی به نهادها» سرزنش کرد. با پایان یافتن جنگ، دست کم فعلاً، توجه‌ها دوباره به سیاست داخلی معطوف شده است. انتخابات پارلمانی باید تا پایان اکتبر ۲۰۲۶ برگزار شود. کمتر از یک‌سوم اسرائیلی‌ها همچنان از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، حمایت می‌کنند. پیش‌بینی می‌شود که بلوک او متشکل از احزاب راست افراطی و فوق ارتدوکس به میزان قابل توجهی از اکثریت فاصله بگیرد. اما اپوزیسیون از ملی‌گرایان سکولار تا محافظه‌کاران اسلامی و کمونیست‌های عرب را در بر می‌گیرد. تنها وجه اشتراک مخالفان نتانیل به جایگزینی نتانیاهو است. این موضع ائتلاف حول یک نامزد نخست‌وزیری و تشکیل یک دولت ائتلافی جدید را برای مخالفان دشوار خواهد کرد. سیاست اسرائیل پیش از جنگ نیز پرآشوب بود. بین سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۲، اسرائیل پنج انتخابات برگزار کرد که در آنها رای‌دهندگان بر سر بازگشت یا عدم بازگشت آقای نتانیاهو به قدرت، به دو نیم تقسیم شده بودند. در آن زمان، اپوزیسیون با نخست‌وزیر باسابقه بر سر برنامه‌های دولتش برای تضعیف دیوان عالی و اتهامات فساد علیه او (که وی آنها را رد می‌کند) مبارزه می‌کرد. از آن زمان، رژیم اسرائیل متحمل حمله غافلگیرکننده حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شد و در پاسخ، طولانی‌ترین جنگ تاریخ خود را در پیش گرفت. همه اسرائیلی‌ها شخصاً تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند. بیش از نیم میلیون نفر در دو سال گذشته در ارتش اسرائیل خدمت کرده‌اند که اکثر آنها سربازان ذخیره بودند و ماه‌ها از خانواده و شغل خود دور بودند. هر بخش از اسرائیل تحت آتش موشک‌ها و پهپادهای شلیک‌شده از غزه، ایران، لبنان، سوریه و یمن قرار گرفته است. این امر بر جایگاه بنیامین نتانیاهو تأثیر گذاشته است. بسیاری از مردم، نخست‌وزیر را هم به دلیل ناکامی دولتش در پیش‌بینی حمله و هم به دلیل عدم پایان دادن سریع‌تر به جنگ مقصر می‌دانند. دالیا شاپیندیلین، استراتژیست سیاسی و کارشناس افکاررسنجی می‌گوید: «احساس بیسار قوی وجود دارد که قرار بنیادین اجتماعی، یعنی نقش دولت در تأمین امنیت، به وضوح نقض شده است. پیش‌بینی چگونگی بازتاب این احساس خیانت در انتخابات دشوار است.» جنگ باعث دامن زدن به نارضایتی از جامعه فوق ارتدوکس شده است. فوق ارتدوکس‌ها حدود ۱۴ درصد از ۱۰ میلیون نفر جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند و اعضای آن به دلایل مذهبی از خدمت در ارتش خودداری می‌کنند. دیوان عالی معافیت آنها از خدمت سربازی را خلاف قانون اساسی اعلام کرده است. اما از آنجایی که احزاب فوق ارتدوکس بخش کلیدی ائتلاف نتانیاهو هستند، دولت به حکم دادگاه توجهی نکرده است. این جامعه همچنین از افزایش بودجه عمومی بهره‌مند شده است. خشم از شرکای نتانیاهو می‌تواند این دلیل صادق است که جنگ هویت سیاسی اسرائیلی‌ها را به شیوه‌های غیرمنتظره‌ای تغییر داده است. طبق یک نظرسنجی بلندمدت افکار عمومی توسط AGAM Labs، یک اندیشکده، ۶۵ درصد از اسرائیلی‌ها اکنون خود را راست‌گرا می‌دانند (در مقایسه با ۵۶ درصد سه سال پیش). تنها ۱۳ درصد خود را چپ‌گرا می‌دانند. با این حال، ۷۹ درصد موافق پایان دادن به جنگ در غزه بودند. وقتی از آنها پرسیده شد که آیا توافقی‌های عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی را ترجیح می‌دهند یا الحاق کرانه باختری اشغالی را، تنها ۳۲ درصد الحاق را انتخاب کردند و اگرچه تعداد اسرائیلی‌هایی که دین خود را محور هویت‌شان می‌دانند، بیشتر از سه سال پیش است، اما تنها کمی بیش از یک‌چهارم آنها می‌خواهند رژیم توسط قانون دینی اداره شود. گایل تال شیر، دانشمند علوم سیاسی در دانشگاه عبری که بخشی از تیم انجام‌دهنده این نظرسنجی است، می‌گوید که این امر آنها را با دولت نتانیاهو در تضاد قرار می‌دهد: «انتخابات قرار است درباره چگونگی تعریف هویت اسرائیلی‌ها و نوع اسرائیلی که می‌خواهند در آن زندگی کنند، باشد.»

رحمن قهرمان پور تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

فقط يك رخداد خارق‌العاده می‌تواند باعث توافق ایران و آمریکا شود

«آیا می‌توان شرایط کنونی را اینگونه توصیف کرد که دو طرف در حالت صبر و انتظار قرار گرفته‌اند تا طرف مقابل با گذر زمان از مواضع خودش کوتاه‌بیاید؟

این نکته درستی است اما واقعیت این است که راهبرد صبر و انتظار با Wait and See جواب نمی‌دهد. واقعیت امر این است که شرایط دو طرف بعد از جنگ ۱۲ روزه به شکل اساسی تغییر کرده است. اگر تا قبل از ۲۳ خرداد می‌گفتیم که آمریکا در محاسبات خود در خصوص تهران از خطا است، اما بعد از ۲۳ خرداد آمریکا با اطمینان بیشتری به این دیدگاه رسیده است که توان باززداندگی ایران تضعیف شده است و ایران قدرت چانه‌زنی زیادی ندارد. به همین دلیل می‌بینیم که آمریکا حتی دیگر حاضر نیست امتیازهایی را که حاضر بود در اردیبهشت ۱۴۰۴ به ایران پیشنهاد بدهد، در شرایط فعلی ارائه کند. به اعتقاد من مسئله صبر و انتظار جواب نمی‌دهد، بلکه یکی از طرف‌ها باید به صورت اساسی از مطالبات خود کوتاه بیاید و چون آمریکا قدرت بیشتری دارد، طبیعتاً اگر آمریکا امتیازی برای ایران ارائه کند، امکان توافق بیشتر است اما آمریکا به این دلیل که تصور می‌کند ایران در موضع ضعف قرار دارد، فعلاً تمایلی ندارد که امتیاز بدهد.

«آیا در غیاب هرگونه مذاکره، گفت‌وگو و تعامل مستقیم، غیرمستقیم یا به واسطه میانجی‌ها امکان این وجود دارد که یکی از طرف‌ها موضع خود را تغییر دهد؟

خیلی سخت است. ایران آن چیزی را که آمریکا می‌خواهد به معنای تسلیم تعبیر می‌کند و مقام‌های ایرانی به صراحت گفته‌اند که آمریکایی‌ها به دنبال توافق نیستند بلکه به دنبال تسلیم است. ترامپ هم در موقعیتی قرار گرفته است که تصور می‌کند به آن چیزی که در مورد ایران می‌خواست، رسیده است یا بدون نیاز به توافق خواهد رسید. در نتیجه یک رویداد خارق‌العاده یا حتی یک درگیری می‌تواند دو طرف را قانع کند که از مواضع خودشان کوتاه بیایند اما با استمرار روند موجود بعید است که تغییری در مواضع دو طرف ایجاد شود. حالت دیگر این است که یک میانجی قدرتمند مثل چین وارد صحنه شود که تا حدی مورد پذیرش دو طرف باشد و بتواند